

## ترازنامه حیات صدها ماهنامه توفان

میتوان از تیراز روزافزون ماهنامه دید. ماهنامه مادر آغاز با تیراژی کمی فعالیت خود را آغاز کرد ولی رفته رفته و بدون مخالفت میتوان گفت ماه به ماه تیراژ آن افزوده بطوری که اکنون با تیراژ ارگان حزب توده ایران در بحیثیت قدرت آن در ایران برابری میکند.

این موفقیت ماهنامه توفان علی رقم تبلیغات سودمندان و مخالفان بدست آمده است که با تمام قوا در پی انتشار کردن آن کوشیده اند. و میکنند. ماهنامه ما آماج تیرهای زهرآلود و ابانداگانی است که منافع و تنگ نظری گروهی خود را بر منافع طبقه کارگر و خلق های ایران رجحان می نهند. شکست اینک تبلیغات مخالفان علیه ماهنامه ما و سازمان ما نه مبارزهای رویاروی ما نه مبارزهای در سطح افکار و عقاید بلکه مبارزهای توسطه گرانه است. اینها به افراد بیخبر و ناوارز نزدیک میشوند و افسانه‌های طبع ماهنامه و سازمان توفان بکوترا آنها میخوانند تا نباید به تطبیق از موفقیت ماهنامه و سازمان ما جلوگیری. اما واقعیت روشن تر از آنست که با تبلیغات مغرضانه بتوان آنرا طرد و بگردانید. ماهنامه ما در سطح افکار و عقاید بکوترا آنها میخواند تا گامی تبلیغات مغرضانه مخالفان است.

ماهنامه توفان با فعالیت خود در تمام زمینه های ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی توانسته است توجه و علاقه جوانان را در خارج از کشور و تشریح وسیعی را در درون کشور جلب کند. ماهنامه توفان که اکنون بزبانهای فرانسه و آلمانی ترجمه و پخش میشود جای خود را حتی در میان احزاب و سازمانهای انقلابی نیز باز کرده است. این توجه و علاقه خوانندگان را

### اعلامیه سازمان توفان خطاب به مردم ایران و سرbazان و افسران اعزامی به ظفار

سرbazان و افسران شرافتمند ایران! اکنون سه سال است که ارتش ایران تحت فرماندهی افسران انگلیسی و آمریکایی برای حفظ حکومت سلطان قابوس و امپریالیست های حامی وی سخت گیری کرده است. سه سال است که ارتش ایران بفرمان شاه سرسخت ظفار، بر سر زبان و کوهگان و مردم بیگناه ظفار آتش و آهن میبارد. گنجه های آنها را بران میگرداند، مزارع آنها را میسوزاند و نان و آب را از آنها میگیرد. چه چیز شاه را بر آن میدارد که نقش و زخم خلق ظفار را بر عهد مگردد؟ اکثر آزادی خلق ظفار هیچ خلقی را تهدید نمیکند، شافع هیچ خلقی را در خطر نمی اندازد. اما شاه مگر که خلقهای ایران را با دست بایس و آتش زدن استعمار نگاه داشته صریح اعلام نمیدارد که آزادی هیچ خلقی را در منطقه خلیج فارس تحمل نمیکند، هیچ خلقی اجازه نمیدهد که برای برانداختن بیخ اسارت و بندگی بیخیزد. هیچ خلقی اجازه نمیدهد که با محور آنگری و مفتخوری به فقر و بیخانمانی خود پایان دهد. از اینجمله است که میخواهد مشعل انقلاب توده های راکه خلق ظفار در منطقه خلیج فارس برافروخته است خاموش سازد و برای تاسین این هدف تنگن سرbazان و افسران ارتش ایران راه عمان و ظفار می فرستد و افسانه های درگوش آنها میخواند تا آنها را فرجه بیشتر به گنجه مردم ظفار برانگیزد. سرbazان و افسران شرافتمند، مردم سرزمین ظفار را بدستور شاه مثل عام نکند، ببیوه و خود را به گنجه ندهید. جنگ شما جنگ ظالمانه است. شما با مردمی بیگناهی که مانند خود شما تا ن درسفره نداشتند، خانه نداشتند، بعد از آنکه تدارک نداشتند، تمام داروخته از آنها را مقرر کرده اند. مانند سلطان قابوس میگردند. همانطور که مفتخوری مانند شاه و دودمان پهلوی داروخته از شما و زحمتکشان کشور ما را میگردند.

موفقیت ماهنامه توفان از کجا سرچشمه میگردد؟ نخستین عامل موفقیت ماهنامه توفان خلق نشیماز لنینیستی است و خط مشی که با تکیه بر اصول و قوانین مارکسیسم لنینیسم و بر اساس تحلیل مسائل با استلوهی با لکنیک ماتریالیستی بدست میاید و لذا به صحت آن میتوان اطمینان داشت. البته این هنوز به آن معنی نیست که مقالات ماهنامه توفان عاری از خطا و اشتباه است، ولی تجربه صد شماره ماهنامه توفان نشان میدهد که در مسائل مهم اساسی اعم از داخلی یا بین المللی خط مشی ماهنامه هیچگاه از حقیقت دور نیافتاده است. خوانندگان در مسائل مختلف با خط مشی لنینیستی سرکار دارند که بدون انحراف و بی تزلزل ادامه یافته و جریان حوادث نیز صحت آن را ثابت ترساید. دومین عامل موفقیت ماهنامه توفان سبک بیان و شیوه برداشتن مسائل مطرح است. ماهنامه توفان طی مقالاتی که با بیانی روشن و با تکیه بر واقعیات مسائل بقیه در صفحه ۲

ارتش ایران بدستور شاه بزور یا با تیرنگ شمارا از کانون خوشبخت خانوادگی، از مهرین و فرزند خدا میکند و بدینا عرت میفرستد تا مردم بیگناه را بکشد و کشته نمید. به افسانه های شاه و تبلیغاتچی های او گوش ندهید، آنها در باره خلق شما دروغ میگویند و دروغ میگویند وقتی مردم ظفار را آتش میزدند و وحشی میخوانند. زحمتکشان ظفار مانند کارگران و دهقانان ایرانی برای آزادی خود از دست مفتخوران داخلی و خارجی، برای نان، بهداشت، مسکن و سواد میجنگند. این جنگ، جنگ عادلانه و مقدسی است و این همان جنگی است که باید علیه رژیم شاه برانگیزد. زحمتکشان ظفار با کشتن ستر جنگ داروخته در شتان شما و بعد زحمتکشان اند. اسلحه خود را بروی آنها نشانه نمید، اسلحه خود را بروی کسانی برگردانید که بتما فرمان کشتار مردم بیگناه ظفار را میدهند. به حاکمین ظفار میبویید که علیه ظلم حور سلطان قابوس و محمد رضا شاه میجنگند. زحمتکشان ظفار برادران شما نیستند، به آنها دست برادری ندهید.

### سوسیالیسم پیروز در آلبانی

به کمیته مرکزی حزب کار آلبانی  
 رفقای عزیز  
 خلق آلبانی در پیشانی آن طبقه کارگر سی و یکمین سالگرد جمهوری توده ای آلبانی را با سرور و شادی و سر بلند از موفقیت های درخشانی که طی سی سال گذشته بدست آورده جشن میگیرد. اجازه به دهید به این مناسبت بنام سازمان توفان و به نمایندگی از جانب طبقه کارگر خلق های ایران این سالگرد را به آن رفقا به طبقه کارگر و به همه خلق آلبانی شاد بمانی بگویم. بر دنیای پر تلاطم گیتی منی و سیاست بی خدشه و تزلزل ناید بر جمهوری توده ای آلبانی، سیاسی پستی بر مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، سیاسی منتهی بر مبارزه بیکس و قطع علیه امپریالیسم و ارتجاع، پیروزه امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم شوروی و یشتیبانی بیدریغ از نیروها و خلق های انقلابی در مبارزه شان با خطر آزادی و استقلال، احترام و اعتماد همه خلقهای جهان را برانگیخته است. منی و سیاست جمهوری توده ای آلبانی در قبال مسائل بعرض و پیچیده گیتی جهان، تجاربغی و کزانه های آن رفقا در مبارزه با رولین و نوسیم نوین و اغماهی احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی در مبارزه آنها با رولین و نوسیم در تمام اشکال آشکار و نهان است.

ما یقین داریم که خلق و طبقه کارگر آلبانی تحت رهبری خرد متوانند حزب کار آلبانی و رفیق انروزخوه، مارکسیست لنینیست بزرگسال آینده نیز مانند سالهای گذشته در راه ساختمان سوسیالیسم به پیروزیهای بازم درخشانی نائل خواهند آمد و ستاره سرخ سوسیالیسم در آسمان اروپا درخشندگی بازم بیشتری خواهد یافت.

باسلامهای کمونیستی  
 سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان  
 ۲۸ نوامبر ۱۹۷۵

هوشتان کرامی  
 شاه این نوزک بست امپریالیسم آمریکا، چنانکه بارها اعتراف کرده، برای تاسین منافع امپریالیسم پیروز امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، چکرگوشگان، شوهران و پدران شما را با زور به امارت تاسین عمان میفرستد تا خلق ظفار را که برای رهایی خود بیخاسته سرکوب کند. هم اکنون هزاران بسیاری از شما در جنگ ظفار زندگی خود را بران بردانند، هم اکنون خانواد های بسیاری در سوگ فرزند ان، شوهران و پدران خود نشسته اند، چه بسیار خانواد هائی از خلق ظفار که در مرگ عزیزان خود اشک میزنند و چه بسیار خانواد هائی دیگری که در بران جنگ ظالمانه سوگوار و داغد از خواهند شد. باید علیه این جنگ ظالمانه بیخاست، باید صدای خود را برای بازگرداندن ارتش اعزامی از صحنه جنگ ظفار متحد بلند کرد و نگذاشت شاه که فرزند ان میهن مارا در درون کشور به کشتار کامیفرستد. سرزمین ظفار را به تکلان سرbazان و افسران ایرانی بدل کردند. سکوت و تسلیم در برابر وضع گونی بمعنی قربانی کردن فرزند ان میهن ما در نای منافع و مقاصد پلید امپریالیسم و شاه و دودمان پهلوی است.

مرگ بر محمد رضا شاه و سلطان قابوس!  
 پیروزیمان جنگ توده های خلق ظفار!  
 استواریمان برادری خلق های ایران و ظفار!

### دروغگو همیشه رسوا است

سوسیالیسم شوروی و پستون پنجم آن روزیروز نیست های ایرانی که از دروغبازی و بیخبر حقایق باز نمیایستند پیوسته جمهوری توده ای چین را منته میسازند که به دو جنبش "فیلد" و "اوپنیتا" یک نظامی میسازند و جنبش داخلی آنکولا را دایم میزند. در واقع این سوسیالیسم شوروی است که بخاطر برقراری و توسعه نفوذ خود در آنکولا بجنگ داخلی دامن میزند و مستقیما و علنی برای گروه "میل" اسلحه و سرbaz میفرستد. هم اکنون هزاران سرbaz و افسر کوبا که وابستگی اقتصادی و سیاسی کشور آنها به شوروی بر همه کس معلوم است در آنکولا در کار "میل" جنگ را توسعه میدهند و رهبری میکنند و آنگاه طایفه نام چروس به این آشکاری آنها به جمهوری توده ای چین اتهام می بندند. ما در زیر بیانات نماینده جمهوری توده ای چین را در جلسه رسمی سازمان ملل متحد میبوییم تا حقیقت از دروغ بازشناخته شود.

چین از همان آغاز از جنبش آزادی بخش خلق آنکولا یشتیبانی کرده و میکند. برای یشتیبانی آنها در برابر استعمار پرتغال ما به جرعه جنبش آزادی بخش آنکولا کمک نظامی رسانیدیم. ما از اختلافات آنها اطلاع داشتیم و پیوسته به آنها توصیه میکردیم که در مبارزه علیه دشمن متحد شوند. پس از آنکه جنبش

آزادی بخش آنکولا با پرتغال بر سر استقلال به توافق رسید ما دیگر به هیچیک از سازمانهای سه گانه آنکولا کمک نظامی نکردیم اینها همه واقعت است و واقعت بیشتر از تجربیات تابع کنند است. شایعات و دروغبازاری های اتحاد شوروی برای حمله بچین بهیچوجه نمیتواند معنون واقعی موضوع را بپوشاند. اتحاد شوروی با این شایعات و دروغبازاری ها بیشتر خود را رسوا میکند. جنگ داخلی ای که شوروی در آنکولا دامن میزند عمل زشتی است اما در عین حال چیز خوبی نیز هست. چیز خوبی است از اینجمله که بعنوان نمونه منق و واقعتی آموزنده است. هر جنبش انقلابی ناگزیر از راه بریج زخمی میگردد. ما اعتقاد داریم که خلق آنکولا پس از ناکامیها و گمراهی ها متحد میشوند و با استواری در مبارزه با دشمن و ابر زدن بر سر سوسیالیسم امپریالیسم به عقابله سر میسوزند و سرانجام آزادی و استقلال خود را بدست میآورد. مشکلات و قربانی های گیتی نه تنها سطح آگاهی سیاسی وی را بطور قابل ملاحظه بالا خواهد برد بلکه برای جنبش های نجات بخش منتهای تحت ستم همه جهان آموزش گرانبهائی خواهد بود.

اتهامات سوسیالیسم امپریالیسم و داروخته کمیته مرکزی بر این واقعت برده نخواهد کشید.

هیچ ارتشی قادر نیست خلق ظفار را از نیل به آزادی و استقلال بازدارد!



توفان واحیا... بقیه از صفحه ۴

توفان واحیا... بقیه از صفحه ۴  
 با توجه به وضع ایران کار آسان و زود رمی نیست، ولی در شورای کارگروهی بودیم آن سازمان ما را از راه صحیح به درون برده و تنها با ایجاد چنین هسته‌ها و سازمان‌هایی است که می‌توان به احیای حزب طبقه کارگر در عرصه ایران تحقیق بخشید.

سازمان ما می‌تواند بدون (رهست) که فعالیت با خطر ایجاد هسته‌های سازمانی باشد و به ضرورت گیرد و توجه خاصی به کار در میان کارگر مدول کرد. کارگران سپین ما با توجه به سنت در برین «ماروزه طبقه کارگرو قابلیت تشکل آنها» به بند و شک برای «ماروزه» تشکل اعراض اقتصاد سیاسی آمدگی در ایران، اما توجه به کارگران صنعتی آن نیست که اگر امکاناتی برای فعالیت در روستا پیدا کند، توجه به کارگران این نیز می‌تواند به هرگز این نظر را بنیادین از برای بزرگسازانیم مرکز فعالیت باید به روستا منتقل کرد. توجه به کارگران این نیز می‌تواند به هرگز این نظر را بنیادین از برای بزرگسازانیم مرکز فعالیت باید به روستا منتقل کرد.

هسته‌هایی که به بی‌توجهی در طول زمان بوجود می‌آیند و سازمان‌هایی که بر گسترش (امام‌حدود) این هسته‌ها تشکل می‌شوند، از راه این آگاهی سیاسی بی‌توجهی و از مبارزات خود به هماره می‌روند این مبارزات بر گسترش می‌مانند. انجام این وظیفه مستلزم مراعات اصل تلفیق کار صنعتی و علفی در روستا و یکی این رهنمودها بطور اجمال چنین آمده است: «احیا» حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بر سه گوییش طولانی خواهد شد.

پیوند که از ایجاد هسته‌ها و سازمان‌ها در نقاط مختلف کشور آغاز می‌گردد، هسته‌ها و سازمان‌هایی که با توجه به هیئت خود خواهند یافت و مبارزه آنها را رهبری خواهند کرد. حزب طبقه کارگرا را این هسته‌ها و سازمان‌ها می‌پویند. «طبقه کارگر و احیا» حزب نقش اساسی بازی میکند از این جهت باید برای کار در میان کارگران و جنبان آنها به مبارزه انقلابی اولویت قائل شد ولی هرگز نباید فراموش کرد که عاقبتان نیروی عمده انقلاب اند و بدون اتحاد طبقه کارگر با آنها پیروزی انقلاب امکان پذیر نیست. نباید فراموش کرد که مرکز فعالیت انقلابی حزب باید از شهر به روستا و انتقال باید. حزب چنین است رهنمودهای سازمان ما برای احیای حزب طبقه کارگرا در ایران. راضی احیا» کتب طبقه کارگر که همین است و اولاً کتب احیای پیوسته آن سالها تا این جزو بخش لازم آید. و لولاً آنکه زمان احیا» حزب را بتواند به قیاد از پیش تعیین کرد. سازمان ما در گذشته «سازمان انقلابی» حزب بود و این سازمان انقلابیون کمونیست را به رستی مورد انتقاد قرار می‌دهد که احیا» حزب را به میدان می‌دهد و به راه می‌دهد، این به سنت بود و تنها به احیا» حزب نمی‌انجامید، مبارزه را نیز به شکست می‌کشاید. ولی در صورتی که امر احیا» حزب مریضی بی‌بیاید مسئله زمان مطرح نیست و نمی‌تواند بیاید. باید این مسیر را پیوند تا به احیا» حزب دست یافت.

می‌توانند به بهترین و موثرترین وجه به تحقق درآیند که هسته نیروهای ضد رژیم مشی سیاسی کفدر راسیون را باید بریزند و دامنه این وحدت نظر رژیم مشی سیاسی به توده دانشجو گسترش یابد و فعالان سیاسی را بر زمین کفدر راسیون تقویت و تشکل بدین شکل. چنانچه این شرایط از نظر فروغ افند مبارزه کفدر راسیون اگر دستخوش تعطیل نگردد گرفتار رژیم روستی نخواهد شد و کفدر راسیون را این نقش خود بطور کامل یا بطور موثر و شریک نتوان خواهد ماند.

این نامه با عبارت زیر پایان می‌دهد: باید استنباط این توصیه‌ها و پیشنهادات توانسته باشیم به روشن شدن پاره‌های مسائل وحل آنها به رفع بحران درونی کفدر راسیون کمک کرده باشیم. ما امید داریم به اتفاق همه عناصر و نیروها و سازمان‌های انقلابی و مترقی بر بحران کفدر راسیون فائق آئیم و وحدت کفدر را سین راهمان بازگردانیم و آنرا تقویت کنیم و گسترش دهیم تا این سازمان ازنده و بنیواند ماندگار گشته و در رخشان ترازنگ گشته وظیفه خود را در قبال نهضت انقلابی خلق های ایران در قبال مبارزات مردم ایران علیه رژیم مغفور و نگین کفدری بخاطر نیل به آزادی و استقلال ایفا کند. ارواح پاک شهیدان چنین امر والا را از ما میطلبید.

یک نظریه و روشی به مقالات ما هفتاد و هفتاد از آغاز انتشار تا کنون بوضوح نشان می‌دهد که نظر سازمان ما در اهمیت نقش کفدر راسیون، مشی سیاسی آن، گسترش و تقویت آن به هیچ وجه تغییر نکرده است. علی رغم این حقیقت مسلم «جبهه ملی» به بهانه اینکه مشی سیاسی سنتی کفدر راسیون آنگونه که ما بیان میداریم گویا «ناورتن» است، برای رفع مشکلات جزایی بنامه ما در این کار خود رفت و از هرگونه بحثی امتناع ورزید. بدین بیان سان کوشش ما برای بازگرداندن «جبهه ملی» به نتیجه‌های میانجا سازمان ما زمانه دیگری به سازمان‌های دیگر چنین نوشت:

انتعاب تشکلیاتی که بر اساس مشی سیاسی سازش با سیاست غارتگرانه و ضد خلقی اتحاد شوروی سازش با اردو شده گسترگزی و امکان دادن شرکت و فعالیت آنها در کفدر راسیون و بالاخره بر اساس مبارزه علیه جمهوری توده‌های چین صورت گرفته سریعاً توسعه مییابد و بدین است با این خط راست که چیزی جز سازش با دشمنان خلق و دشمنان خلقی نیست. دشمنان سرافراز داشت سازمان ما از همان آغاز این مشی راست را با قاطعیت و شدت محکوم کرده است. موضع ما اصولی است و در آن هیچگونه ملزمتی برای ما امکان پذیر نیست.

نامه سپهر چنین ادامه می‌یابد: سازمان‌ها و عناصر مترقی... باید به اتفاق و یکپارچه در برابر انتعاب و در واقع در برابر انحلال کفدر راسیون بایستند و کفدر راسیون را از دستگیر انتعاب و خطر راست آنها نمانند. در مقابل با انتعاب و حفظ حرارت کفدر راسیون اکنون به وظیفه مردم و عمده تبدیل شده است که باید متفقا به انجام آن پرداخت.

نامه با این عبارات خاتمه می‌پذیرد: «ما یقین داریم که سازمان‌های ما تنها می‌توانند در برابر انتعاب بایستند و آنرا سا ناگامی مواجه گردانند بلکه قادرند سنت های درخشان گذشته کفدر راسیون را درآینده همچنان ادامه دهند. اتفاق وحدت ما بدون شک با پیروزی قرین خواهد بود.»

نتیجه همه تلاش های سازمان ما که البته به نوشتن نامه محدود نیست در برابر دیدگان همگان است. سازمان ما برای حفظ کفدر راسیون آنچه در قوه داشت به فعل درآورد و وظیفه خود را برای رفع بحران کفدر راسیون و بازگرداندن وحدت تانجا داد و اگر مساعی اش به نتیجه نرسید گناه سازمان ما نیست.

آیا این ناکامی به این معنی است که باید امید حیات و وحدت کفدر راسیون را از سر بسدر کسود؟ جواب این سؤال منفی است باید مساعی خود را ادامه داد. بقیه در صفحه ۴.

توفان و... بقیه از صفحه ۴  
 بر این صورت چگونه می‌توان از کفدر راسیون که یقینی چنین از نتیجه بازی میکند پشتیبانی نکرد؟ چگونه می‌توان از تقویت و گسترش آن باز ایستاد؟ نیست آنچه که سازمان ما ما هفتاد و هفتاد از آغاز انتشار تا کنون بوضوح نشان می‌دهد که نظر سازمان ما در اهمیت نقش کفدر راسیون، مشی سیاسی آن، گسترش و تقویت آن به هیچ وجه تغییر نکرده است. علی رغم این حقیقت مسلم «جبهه ملی» به بهانه اینکه مشی سیاسی سنتی کفدر راسیون آنگونه که ما بیان میداریم گویا «ناورتن» است، برای رفع مشکلات جزایی بنامه ما در این کار خود رفت و از هرگونه بحثی امتناع ورزید. بدین بیان سان کوشش ما برای بازگرداندن «جبهه ملی» به نتیجه‌های میانجا سازمان ما زمانه دیگری به سازمان‌های دیگر چنین نوشت:

انتعاب تشکلیاتی که بر اساس مشی سیاسی سازش با سیاست غارتگرانه و ضد خلقی اتحاد شوروی سازش با اردو شده گسترگزی و امکان دادن شرکت و فعالیت آنها در کفدر راسیون و بالاخره بر اساس مبارزه علیه جمهوری توده‌های چین صورت گرفته سریعاً توسعه مییابد و بدین است با این خط راست که چیزی جز سازش با دشمنان خلق و دشمنان خلقی نیست. دشمنان سرافراز داشت سازمان ما از همان آغاز این مشی راست را با قاطعیت و شدت محکوم کرده است. موضع ما اصولی است و در آن هیچگونه ملزمتی برای ما امکان پذیر نیست.

نامه سپهر چنین ادامه می‌یابد: سازمان‌ها و عناصر مترقی... باید به اتفاق و یکپارچه در برابر انتعاب و در واقع در برابر انحلال کفدر راسیون بایستند و کفدر راسیون را از دستگیر انتعاب و خطر راست آنها نمانند. در مقابل با انتعاب و حفظ حرارت کفدر راسیون اکنون به وظیفه مردم و عمده تبدیل شده است که باید متفقا به انجام آن پرداخت.

نامه با این عبارات خاتمه می‌پذیرد: «ما یقین داریم که سازمان‌های ما تنها می‌توانند در برابر انتعاب بایستند و آنرا سا ناگامی مواجه گردانند بلکه قادرند سنت های درخشان گذشته کفدر راسیون را درآینده همچنان ادامه دهند. اتفاق وحدت ما بدون شک با پیروزی قرین خواهد بود.»

نتیجه همه تلاش های سازمان ما که البته به نوشتن نامه محدود نیست در برابر دیدگان همگان است. سازمان ما برای حفظ کفدر راسیون آنچه در قوه داشت به فعل درآورد و وظیفه خود را برای رفع بحران کفدر راسیون و بازگرداندن وحدت تانجا داد و اگر مساعی اش به نتیجه نرسید گناه سازمان ما نیست.

آیا این ناکامی به این معنی است که باید امید حیات و وحدت کفدر راسیون را از سر بسدر کسود؟ جواب این سؤال منفی است باید مساعی خود را ادامه داد. بقیه در صفحه ۴.

باید این بحران در درون کفدر راسیون همان «جبهه ملی» را پیروزیست ها و این دشمنان کفدر راسیون همان کسانی که کفدر راسیون بارها را غارتگر دشمنی با کفدر راسیون را بر پیشانی آنها کویده بود، از در سازش درآید. به تحلیل از اعضای «کمیته مرکزی» پدر خسته هواد ارتشک کاسی در کفدر راسیون کردید که با آن خصوصاً در اشتند و اندیشه انحلال آنرا در رسمی برپوراندند و با سیاست ضد انقلابی ضد خلقی شوروی راه معاشات در پیش گرفت و بالاخره هم به پیشواز نیت شوم روینویست هارفت و کفدر راسیون را به انتعاب کشانید انتعاب سازمانی «جبهه ملی» از کفدر راسیون فرجام ناگزیر انتعاب از خط مشی سیاسی روزنه آن بود. بدین ترتیب وحدت کفدر راسیون برهم خورد و بحران در کفدر راسیون پیدا آمد که نتایج تاسف آوری در برابر ما است.

چه چیز رهبران «جبهه ملی» را بران داشت که چنین خطای ناخوشدنی دست زدند؟ آیا تحلیل از اعضای «کمیته مرکزی» و تجدید نظر در روش نیست به سیاست نواستعاری شوروی و برای آنجان اعمیتی بود که بخاطر آن سیاست کسار کفدر راسیون را با انتعاب انحلال کشانید؟ آیا اعضای ساده «جبهه ملی» بالاخره نمی‌خواهند به سر این خطا واقف گردند؟ باری به برکت «زمان مشترک» سوختی شکسته بود میبایست بر آن چاره‌ای اندیشید تا شاید آب رفته را بجوی بازگردانید. سازمان ما با اعتقاد عقیدتی به نقش کفدر راسیون بر آن شد که هر آنچه در قوه ارد برای جلوگیری از آن کردی کفدر راسیون بکار آرد و بر این مینا کوشید با همه سازمان‌های سیاسی به بحث و چاره‌جویی بنشیند.

درمات آگرا می‌گردد تاریخ ۲۵/۳/۴۵ با نمانندگان «جبهه ملی» صورت گرفت سازمان ما بر آن بود که کفدر راسیون باید خط رزنده سنتی خود را همچنان دنبال کند و دشمنان خلق های ایران را از هر سو که باشند از رژیم شاه و این مولود امپریالیسم آمریکا گرفته تا اردو سنت «کمیته مرکزی» را با همان شیروی آن همانند گذشته افشا کند و با آنها مبارزه بر خیزد و از مبارزات خلقهای ایران و خلقهای انقلابی جهان و از رندان سیاسی مانند گذشته دفاع کند. سازمان ما هیچ چیز جز مشی سنتی کفدر راسیون نخواست و آنرا سپهر ملی نامعنی همراه با راه حل های مشخص برای یک سلسله مشکلات که در نتیجه انحراف رهبری کفدر راسیون از مشی سنتی بروز کرده بود در اختیار نمایندگان «جبهه ملی» گذاشت. در این نامه پس از تذکر این امر که وحدت کفدر راسیون در ادامه مشی سیاسی سنتی گذشته است و مشی سیاسی که تمام نیروها و سازمان‌های پیرو این اتفاق نظر داشته اند و طی سالها مبارزه و صحت و تاثیر آن به ثبوت رسیده است و پس از شمارش وظائف این مشی سنتی اینطور آمده است: «بناگاه ولو سطحی بوظائف فوق نشان میدهد که کفدر راسیون چه آرمانهای ولاتی در برابر خود دارد و به انجام چه وظائف خطیری می‌تواند دست یابد. این وظائف در شرایطی

عنوان مکاتبات  
 X.DR.GIOVANNA GRONDA  
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
 X.DR.GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 17549/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO/ITALY

احیاء حزب طبقه کارگر در ایران نخستین و فوری ترین وسیله پویندگان راه طبقه کارگراست

